

باسمه تعالی

سوژه سخن

ویژه ایام حزن انگیز دهه فاطمیه

تولید شده در کارگروه تولید محتوای معاونت فرهنگی و اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد

### حکمت عبادات

حضرت زهرا سلام الله علیها در روایتی فرمودند: **جَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشَّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهَا لَكُمْ مِنَ الْكِبَرِ، وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ، وَ نِمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَالصِّيَامَ تَثْبِيْتًا لِلْأَخْلَاصِ، وَالْحَجَّ تَشْيِيدًا لِلدِّينِ.** (ریاحین الشریعة: ج ۱، ص ۳۱۲)

ترجمه: خداوند سبحان، ایمان و اعتقاد را برای طهارت از شرک و نجات از گمراهی ها و شقاوت ها قرار داد. و نماز را برای خضوع و فروتنی و پاکی از هر نوع تکبر، مقرر نمود. و زکات (و خمس) را برای تزکیه نفس و توسعه روزی تعیین نمود. و روزه را برای استقامت و اخلاص در اراده، لازم دانست. و حج را برای استحکام اساس شریعت و بناء دین اسلام واجب نمود.

این روایت شریف در مقام بیان حکمت عبادات است. عباداتی که اسلام وضع فرموده، بلکه همه احکام اسلام، همگی در خود، حکمت‌هایی نهفته دارند. در شریعت، دو اصطلاح وجود دارد: احکام و حکمت‌ها؛ هر کدام از فروع دین دارای احکامی هستند و دارای حکمت‌هایی. احکام به دستورالعمل‌ها و باید و نبایدهای افعال گفته می‌شود؛ مثلاً نماز دارای قرائت و رکوع و سجود و ... است که هر کدام را باید به شکلی خاص انجام داد.

حکمت افعال، به اغراض و مقاصد و اهدافی گفته می‌شود که آن فعل برای رسیدن به آنها تعریف شده است؛ مثلاً خداوند، فعل نماز را وضع کرده (قرار داده) تا انسان از تکبر دور شود؛ یعنی هدفی که از نماز دنبال می‌کنیم این است که خود را از تکبر دور کنیم.

یک نکته اعتقادی و کلامی در اینجا لازم به تذکر است و آن این که خداوند در افعال خود، هدف ندارد؛ زیرا هدف در جایی قابل تصور است که موجودی، فاقد یک چیز باشد و هدف خود را قرار دهد که به آن چیز برسد؛ اما در خداوند، فقدان و نداری راه ندارد؛ او همه کمالات را دارد و کمالی وجود ندارد که خداوند بخواهد به آن برسد؛ پس خداوند در کارهای خود، هدف ندارد. پس این که در روایت فوق مثلاً آمده که خداوند نماز را برای تطهیر انسان از کبر قرار داده، به معنی این نیست که هدف خداوند چنین است، بلکه منظور این است که

خداوند نماز را قرار داده تا انسانی که هدفش پاک شدن از تکبر است، با آن بتواند به این هدف برسد؛ مثل معلمی که خودش علم را داراست، اما تدریس می‌کند تا دانش‌آموز به هدف خودش که کسب علم باشد برسد.

نکته دیگر این است که انسان مؤمن در انجام عبادات باید علاوه بر توجه به احکام و بیش از آن، به حکمت عبادات توجه کند، وگرنه ممکن است نقض غرض شود. به عنوان مثال، اگر انسان به حکمت‌های نهفته در نماز که یکی از آنها، پاک‌سازی از تکبر است توجه نکند ممکن است نه تنها از غرور دور نشود، بلکه بالعکس، دچار غرور شود. فردی که به این حکمت توجه نکند ممکن است نمازی که می‌خواند او را به این توهم بیاندازد که از دیگران بالاتر است و مقام رفیعی دارد و ... ممکن است با خود بگوید عجب نمازی می‌خوانم؛ ما چقدر اهل عبادتیم و دیگران محرومند و از ما عقب‌تر هستند؛ ما کجا و خلاق کجا و ... چنین فردی معلوم است که به عمق و باطن و حکمت عبادات نرسیده است.

انسان در نیت خود از عبادات (البته منظور، نیت به معنای فقهی آن نیست) باید به حکمت احکام توجه کند. با خود بگوید که من این نماز را به جا می‌آورم تا به واسطه آن، خداوند مرا پاک کند و به فضائل اخلاقی نائل و از رذائل پاک نماید. در طول نماز نیز متوجه این معانی باشد. دائماً در نماز به یاد این باشد که بزرگی نمودن، فقط مختص خداست و غیر او حق بزرگی کردن ندارد. احکام نماز نیز وضع شده اند تا این معنا را برسانند؛ رکوع و سجود و ... همگی برای این وضع شده اند که کوچکی انسان و بزرگی خداوند را نشان دهند.

حال اگر نمازگزار، عمری نماز خوانده، اما حکمت‌های نماز در او محقق نشده است معلوم است نماز او فقط ظاهری از نماز بوده است. این نماز، مصداق نمازی نیست که از فحشا و منکر نهی می‌کند؛ مصداق «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»<sup>۱</sup> نیست؛ نه تنها چنین نیست، بلکه وای بر چنین نمازگزاری؛ «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ»<sup>۲</sup> که قرآن می‌فرماید ممکن است ناظر بر همین معنا باشد.

نمازی که انسان را به خوش برخوردی با خلق خداوند نکشاند، نماز نیست؛ زیرا «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ»<sup>۳</sup> خلائق، اهل و عیال خداوند هستند و اگر کسی به طور واقعی در مقابل خداوند خاضع باشد با اهل و عیال او نیز خاضع است. البته منظور از اهل و عیال در اینجا اهل و عیالی که در انسانهاست نیست؛ زیرا خداوند، همسر ندارد؛ «لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا» و فرزند هم ندارد؛ «لَمْ يَلِدْ» عیال در اینجا یعنی موجودات، چون مخلوق خداوند هستند، منسوب به او و آیه و نشانه و آثار او هستند؛ پس باید به آنها احترام گذاشت و حرمت آنها را نگه داشت؛ مگر منسوبینی که خود خداوند دستور دشمنی با آنها را داده است.

<sup>۱</sup> عنکبوت/ ۴۵

<sup>۲</sup> ماعون/ ۴

<sup>۳</sup> کافی، ج ۲، ص ۱۶۴

نماز درست باید آثار درست داشته باشد؛ باید انسان را به فکر انسان‌های دیگر بیندازد، نه این که فقط به فکر خود باشد. نماز یعنی عبادت خالق؛ و عبادت واقعی خالق ایجاب می‌کند که با خلق او نیز روابط نیکوئی برقرار کنیم، اما کسی که نماز درست نخواند، یعنی خالق را به درستی عبادت نکرده و کسی که خالق را درست عبادت نکند، با خلق او نیز میانه خوبی نخواهد داشت و تکلیف خود نسبت به خلق را نیز درست انجام نخواهد داد؛ لذا قرآن درباره چنین نمازگزارانی می‌فرماید: فویل للمصلین، الذین هم عن صلاته ساهون، الذین هم یرأون و یمنعون الماعون<sup>۴</sup>

اینها کسانی هستند که نماز خود را درست نمی‌خوانند و در نتیجه با خلق خدا نیز کج خلق هستند و از حقوق واجبی که باید به مخلوقات خداوند بپردازند منع می‌کنند.